

خبرها

۱۱ میلیارد دلار مبادلات ایران و چین

ایستنا : اگر سخت گیری‌ها و سایر مسائل جاشیه‌ای پیش نیاید در سال جاری مبادلات تجاری ایران و چین به ۱۱ میلیارد دلار خواهد رسید.
عسگراولادی- رئیس اتاق مشترک ایران و چین- تصریح کرد: مبادلات دو کشور در مقایسه با سال قبل که ۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بوده ۱۰ درصد رشد خواهد یافت که ۷۰ درصد این میزان عملکرد اعضای اتاق ایران و چین است. وی گفت: عملکرد اتاق ایران و چین نشان می دهد که این اتاق در بین سایر اتاق ها قوی ترین است و تعداد اعضای آن به هزار و ۸۱۵ نفر افزایش یافته است و اگر انتقادی هم مطرح می شود سازنده نیست و از روی حسادت مطرح می شود.
رئیس اتاق مشترک ایران و چین با ارزیابی مثبت از روابط تجاری ایران و چین عنوان کرد: سخت گیری های استاندارد برای واردات کالاهایی با کیفیت پایین افزایش یافته و ترخیص برخی کالاهای چینی را دچار مشکل کرده است.
عسگراولادی همچنین درباره ادامه واردات کالاهایی با کیفیت پایین از چین توضیح داد که در مذاکرات اعضای اتاق مشترک با طرف های چینی درباره علت این امر عنوان شده است که خریداران ایرانی (واردکنندگان) در چین به دنبال جنس متوسط و ارزان هستند لذا چون استاندارد کشور این کالاها را قبول ندارد بنابراین باید کالاهایی وارد شود که شرایط استاندارد کشورها را داشته باشد.

صف برای فروش فرش

ایلنا: مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران، از تشکیل صف های طولانی مردم برای شرکت در طرح تعویض فرش ماشینی با دستپاف خبر داد. جلال‌الدین بصام مدیرعامل شرکت سهامی فرش ایران با بیان این مطلب گفت: استقبال از طرح تعویض فرش های ماشینی با دستپاف از سوی مردم بسیار خوب بوده، به نحوی که حتی در مقطعی از روز صف های طولانی برای این امر جلوی شرکت سهامی فرش ایران تشکیل شده، ضمن اینکه طبق نظرات کارشناسان شرکت سهامی فرش ایران این استقبال طی ۲۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. وی افزود: این نشانگر این است که نیاز مردم به فرش دستپاف وجود دارد، اما تاکنون این نیاز برآورده نشده بود. در حال حاضر این کار صورت گرفته. این در حالی است که استان هایی که شرکت سهامی فرش ایران در آنها شعبه ندارد، نیز خواستار برگزاری چنین طرحی شده‌اند که متأسفانه این شرکت نمی‌تواند این نیاز را پاسخگو باشد، چرا که توان این شرکت برای برگزاری چنین طرحی در سطح ملی محدود است، بصام در توضیح این مطلب گفت: نظر ما این است که بخش خصوصی در این کار فعال شده و این نیاز را برآورده کند، به نحوی که تعاونی‌ها و بخش خصوصی نیز به کمک شرکت دولتی فرش ایران بایند، تا فرش کشور معرفی شود و نیاز مردم نیز برآورده شود. این در حالی است که هدف ما از برگزاری این طرح این بوده که توان بالقوه برای فروش فرش دستپاف ایرانی به‌دست اندرکاران فروش فرش دستپاف ایرانی معرفی شود. وی تصریح کرد: این شیوه می‌تواند یکی از مکمل های نمایشگاه‌های داخلی و بین المللی باشد چرا وی اظهار داشت: هدف ما یک ساختارشنکشی ذهنی بود؛ ولی اگر به نفع فرش دستپاف ایرانی و این هنر اصیل کشور باشد، این کار را ادامه خواهیم داد.

عدم آمادگی برای خرید برگ سبز چای

ایستنا: کشاورزان هنوز تسهیلات به‌زراعی باغ‌های چای را نگرفته‌اند. در حالی که زمان چندانی تا فصل آغاز برداشت برگ سبز چای از باغ‌های استان گیلان و مازندران باقی نمانده است، صنعت چای کشور همچنان در برنخ به سر می‌برد. این در حالی است که امسال به دلیل شرایط مساعد آب و هوایی، چایکاران استان‌های شمالی برداشت برگ سبز چای را کمی زودتر از سال‌های پیش یعنی اوایل اردیبهشت‌ماه آغاز می‌کنند اما به علت پرداخت نشدن تسهیلات به‌زراعی باغ‌های چای به کشاورزان، عده کثیری از آنان نتوانسته‌اند اقدام به هرس و آماده سازی باغ‌های چای خود کنند و از سوی دیگر هنوز کارخانجات چای‌سازی برای خرید برگ سبز چای آماده نیستند. همچنین به علت وضعیت بد اقتصادی که در چند سال اخیر برای چایکاران این استان‌ها به‌وجود آمده است، آنها توانایی گذران زندگی را از دست داده‌اند و عده اندکی که کار را با هر مشکلی ادامه می‌دهند با وضعیت نامناسب موجود ناامید شده‌اند. به اعتقاد برخی از کارشناسان و دست‌اندرکاران چای اجرای طرح وام بلاعوض در سال ۸۳ که برای هر هکتار مبلغ ۷۰۰ هزار تومان به کشاورزان اختصاص داده شد، بزرگ‌ترین ضربه را به کشاورزی و کشاورزان وارد کرد و کشاورز چایکار هیچ اقدامی در باغ‌های چای انجام نداد در نتیجه باغ‌ها رو به نابودی گذاشتند. همچنین انحلال سازمان چای و پس از آن تغییرات ساختاری در تشکیلات اداری آن علاوه بر مشکلات فراوانی که برای کشاورزان ایجاد کرد، کارخانه‌داران، منابع انسانی توسعه‌یافته و اقتصاد استان گیلان پدید آورد، وضعیت تولید و بهره‌برداری از چای را در وضعیت نامشخصی قرار داد. نقطه قوتی که برای بهبود این وضعیت روی داد مصوبه دولتی برای خرید تضمینی برگ سبز چای بود، هرچند برخی به نرخ اعلام شده دولت اعتراض داشتند اما این مصوبه خون تازه‌ای در رگ‌های کشاورزان خسته به جریان انداخت و آنها دوباره به احیای باغ‌های چای پرداختند و ۳۵ درصد از باغ‌های چای را هرس کردند. اما امسال با وجود اعلام دولت برای پرداخت تسهیلات به‌زراعی باغ‌های چای هنوز این کار انجام نشده است. به همین دلیل ۴۰ تا ۵۰ درصد باغ‌های چای بدون هرس مانده و تنها بخشی از باغ‌های چای که تنها راه معیشت صاحبان آنها بوده هرس شده است. به همین دلیل امید دوباره این کشاورزان ناامید شده است. در همین باره جمعی از چایکاران با ابراز نارضایتی از وضعیت موجود گفتند: هنوز وعده‌های مسئولان برای رفع مشکلات ما عملی نشده است. آنان می‌گویند: با توجه به وضعیت چای در چند سال اخیر، پرداخت نشدن وام به‌زراعی و هرس باغ‌ها، باغ‌های چای استان به خرابه‌ای تبدیل شده است.

اقتصاد

نظام بانکی در اضطراب ورشکستگی

پول، پاشنه آشیل

سام غفاریزاده



دولت احمدی‌نژاد از قدرت‌های سیاسی خارجی و نه از مخالفان داخلی بلکه از پول آسیب خواهد دید. پولی که خوش‌روانه بازار می‌کند. در تاریخ ایران و کشورهای مشابه ما کم نبودند آسیب‌هایی که حکومت‌ها و دولت‌ها در دوران وفور نعمت خورده‌اند. نفت به بالاترین قیمت خود در تاریخ به فروش می‌رود و انبیا از ارزی دولت مملو از دلارهای نفتی است. دولت با خاطری آسوده احساس نیاز به دریافت مالیات از مردم و فعالیت‌های مردمی نمی‌کند. در نتیجه برعکس فلسفه وجودی دولت به‌جای اینکه خرج دولت را مردم دهند، دولت خرج مردم را می‌دهد. برای همین از اختزارات دولت نهم جمهوری اسلامی این است که در سفرهای استانی احمدی‌نژاد میان مردم (به‌ویژه اقشار محروم) پول به شکل منابع تقسیم می‌شود. فراوانی منابع و افزایش درآمد حاصل از فروش نفت خام برای دولت اعتماد به نفس بالایی آورده است. به حدی که دولت‌مردان جدید گمان می‌کنند همه چیز برای به حرکت درآمدن چرخ‌های اقتصادی کشور آماده و تنها به یک دستور دولتی نیاز است. دستوری که منابع مالی را به سوی طرح‌های اقتصادی و تولیدی گسل کند. تنظیم اولین بودجه دولت احمدی‌نژاد برای سال ۸۵ گواهی از این مدعا است. بودجه‌ای با رشدی عجیب که نه فقط اعتراض اقتصاددانان بلکه واکنش منتقدان سیاسی دولت را هم در پی داشت. ولی ای کاش بذل و بخشش‌های دولت فقط به بودجه ختم می‌شد. شهوت توزیع منابع میان اقشار مختلف به‌ویژه محرومین به قدری بالا است که گریبان‌شک بانکی را هم گرفته است. اینکه غیر از انتظار برای تشدید بیماری هلندی (رکود همراه تورم) به واسطه تحوه بودجه‌ریزی سال ۸۵ باید منتظر فروپاشی نظام بانکی نیز باشیم.

دولت جدید به ناخواسته از ابتدای زمامداری خود به خاطر طرح اتهاماتی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی محافل بین‌المللی بیش از هر حوزه‌ای دیگر سیاست خارجی شده است و به خواسته‌ها با طرح مسائلی نظیر «افسانه هولوکاست» به درگیری خود افزوده است. ولی پس از حوزه روابط خارجی هیچ یک از حوزه‌های فرهنگ، اجتماع، هنر و سیاست داخلی به اندازه «اقتصاد» مورد تمرکز و توجه دولت نبوده است. تصمیمات و اقدامات مختلفی هم در حوزه اقتصادی داشته است. احمدی‌نژاد با طرح دو شعار «مافیای نفت» و «اتلاف منابع و تجمل‌گرایی در بانک‌ها» این دو بخش را بیش از بخش‌های دیگر اقتصاد مورد توجه و حمله قرار داد. مجلس با رد سه وزیر پیشنهادی احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت نفت از انرژی پیکری مافیای نفتی کاست. ولی از بخت بد نظام رنجور بانکی، فضا برای به چالش کشیدن بازار پول فراهم بوده است. دولت‌مردان جدید نمی‌کنند در دو دهه گذشته با به عبارت بهتر در ۱۶ سال اخیر (دولت‌های هاشمی و خاتمی) تنها حلقه مفقوده برای حل مشکلات اقتصادی «عدم دستور» بوده است. پس بوروکرات‌های جدید تنها با دستور به منابع می‌توانند پول را به چرخه اقتصادی بپزند. گوی‌نامه مالی و صاحبان منابع فارغ از ساز و کارهای اقتصادی بازار هستند و چون سربازی آماده اجرای دستور فرماندهان نشسته‌اند. به همین دلیل دولت در اقدام نخست خود وقتی دید منابع با دستور و بخشنامه به سمت موردنظر گسیل نمی‌شود مدیران عامل تمام بانک‌های دولتی را در یک هفته تغییر داد. مدیران باسابقه‌ای که با آزمون و خطا و صرف سرمایه به مدیران ارشد تبدیل شده بودند و جزء سرمایه‌های انسانی دولت بودند. اما کار به همین جا ختم نشد. دولت برای فشار به بانک‌ها گوی سبقت را از مجلس هم جهت خود گرفت و برای کاهش نرخ سود بانک‌ها وارد عمل شد. دولت و مجلس در دو تصمیم به مثابه دو لبه پیکی عمل کردند و شبکه پولی رسمی در میان این فیتیجی برنده گرفت گرفت.

شورای پول و اعتبار تحت فشار مستقیم رئیس‌جمهور کاهش نرخ سود بانکی را در دستور کار قرار داد. نا‌باید در بهمن‌ماه، کاهش نرخ سود در جلسه شورای پول و اعتبار طرح شود که طهماسب مظاهری معاون کل وزارت اقتصاد و دارایی وارد عمل شد و تا حدی به کمک بانک‌ها رفت. بانک‌های خصوصی که بیشتر احساس خطر می‌کردند نیز فعال شدند. اما آنها به این امید که داوود دانش‌جعفری وزیر اقتصاد و ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی دو دانش‌آموخته اقتصاد و آشنا به مسائل پولی هستند و در شورای پول و اعتبار نفوذ دارند چندان از سوی این شورا مطمئنیم که بعضی از آنها در عمل انجام نخواهد شد.

■ **این روزها فشار غرب بر سر پرونده هسته‌ای به ایران بیشتر شده، این موضوع تأثیری هم در پروژه‌های نفتی ایران و نوع همکاری با شرکای خارجی گذاشته است؟**
هم همیشه به شرکت‌های خارجی می‌گویم که اگر شما به فکر این هستید که روزی در ایران کاری را شروع کنید که ما مشکل سیاسی بین‌المللی نداشته باشیم بعید است این روز برسد. از اول انقلاب تا به حال بررسی کنید همیشه یک مسئله‌ای بوده است. یکسری شرکت‌ها هستند که خیلی به مسائل سیاسی توجه ندارند مثل شرکت توتال. ولی یکسری هم بیشتر توجه دارند.

■ **پروژه‌هایی که الان ما سرگرم مذاکره درباره آنها هستیم چه وضعیتی دارند؟ برآورد شما از سرنوشت پروژه‌های این دوره چیست؟**

هم فکر می‌کنم تقریباً کل پروژه‌هایی که مورد نظر ما است خطر به توقف کشیده شدنشان وجود دارد. این نیست که ما یقین داشته باشیم سرنوشت پروژه‌ها دست خود ما است، یعنی شدن یا نشدنشان را فقط ما می‌توانیم تصمیم بگیریم. تقریباً در سرنوشت تمام پروژه‌های ما عوامل خارجی موثر است. به همین دلیل هم شاید مجموع پروژه‌های گازی که در دست داریم بیش از ظرفیتی باشد که ما برای صادرات

نظام بانکی زده شد. بیستم اسفند ۸۴ شورای پول تصمیم گرفت نرخ سود تسهیلات بانکی تا ۱۴ درصد برای بانک‌های دولتی کاهش یابد. یک هفته بعد و در تاریخ ۲۷ اسفند ۸۴ با بانک‌های خصوصی مجبور شدند نرخ سود تسهیلات مورد نظر خود را حداقل سه درصد بالاتر از بانک‌های دولتی قرار دهند. اما جالب آنکه هنگام ابلاغ این بخشنامه به بانک‌های خصوصی گفته شد این «حداقل»، «حداکثر» است!!! تصمیمی که با ترکیب شورای پول و اعتبار بعید بود. در این شورا که به ریاست رئیس کل بانک مرکزی تشکیل می‌شود وزیر اقتصاد، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزیر بازرگانی، دادستان کل کشور، رئیس اتاق بازرگانی و وزیر اتاق تعاون، دو وزیر به انتخاب رئیس‌جمهور (وزیر اطلاعات و وزیر صنایع در این دوره) و دو کارشناس با تأیید رئیس‌جمهور (طبی‌دنا معاون اقتصادی حال حاضر سازمان مدیریت و عیادی معاون اقتصادی این سازمان در دوره دکتر عارف) حضور دارند. نمایندگان دولت در این شورا قبل از جلسه ۸۴/۱۲/۲۷ معاونین خود را در جلسه‌ای با مدیران بانک‌ها می‌فرستند تا زمینه تعامل و همفکری میسر شود.

نتیجه جلسه هم چنین بود که با ایجاد محدودیت برای بانک‌های خصوصی مخالفت‌شود آمد. اما در کمال ناباوری جلسه نتیجه دیگری داشت. روسای اتاق بازرگانی و تعاون، معاون دادستان، دکتر عیادی و دکتر طبیب‌نیا همان‌گونه که انتظار می‌رفت با اعمال محدودیت برای خصوصی‌های بازار پول مخالفت کردند. وزرای بازرگانی و صنایع، وزیر اطلاعات و رئیس سازمان مدیریت گرچه موافق کاهش نرخ سود تسهیلات بودند اما نظر آنها قابل تغییر بود و تعدادشان هم برای تصویب این بخشنامه کفایت نمی‌کرد. اما داوود دانش‌جعفری وزیر اقتصاد و ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی که گمان می‌رفت جانب نظام بانکی را بگیرند، به نمایندگی از احمدی‌نژاد بر کاهش نرخ سود اصرار کردند. به نحوی که یکی از اعضای شورا می‌گفت در کمتر جلسه‌ای دکتر شیبانی سخنرانی مفصل می‌کند و بیشتر شنونده است. ولی در جلسه مذکور به شدت از کاهش نرخ دفاع کرد؛ در مقابل هم داوود دانش‌جعفری به‌رغم نظر مافوقش (فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت) با کاهش نرخ سود بدین شکل مخالفت کرده. البته هنگام رای‌گیری از جلسه خارج شد. به این گونه امید نظام بانکی

□

خطر توقف پروژه‌های نفتی تحت تأثیر مسائل خارجی

بله. یک عامل مهم در عدم پیشرفت این پروژه اختلاف سیاسی هند و پاکستان بوده و این مقدار زیادی بر سر مسائل سیاسی بین‌کشور است. آقای بشو مانی‌شانکار که وزیر نفت هند بود نقش بسیار مهمی در رفع این تنش‌ها و آماده‌کردن فضا برای اجرای پروژه خط لوله صلح ایران-هند داشت. ایشان اکنون عوض شده و به نظر من این عودش می‌تواند یک نشانه‌بد باشد البته ما از واقعیت قضیه خبر نداریم، اما می‌شود حدس هم زد که ممکن است تحت فشارهای سیاسی ایشان عوض شده و جناحی که علاقه‌مند نیستند این لوله گازی به هند کشیده شود پشت قضیه هستند. هند و پاکستان نیاز مرم به تأمین انرژی در آینده دارند و مقدار نیازشان هم خیلی زیاد است. این ۱۵۰ میلیون مترمکعب گاز به روز که ظرفیت هند و پاکستان است، معادل یک میلیون بشکه نفت خام در روز است. بعنی اگر این پروژه احداث نشود هند باید حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت وارد کند و ۴۰۰ هزار بشکه هم پاکستان. در این بازار با کمبود نفت و قیمت بالا این قضیه خیلی اثر بدی روی قیمت نفت خواهد گذاشت. قطعاً اثر بدی هم خواهد داشت و پاکستان می‌تواند از گاز جان‌گرفته‌اند. از نظر جابجایی هم تقریباً هیچ پروژه‌ای نیست که وضعیت مشابه پروژه ایران را داشته باشد چون هندی‌ها از طریق دیگر می‌توانند گاز وارد کنند؛ اول از میانمار می‌توانند گاز وارد کنند که اگر در دریا وارد کنند هزینه‌اش خیلی بالا است و مشکلات فنی دارد و اگر بخوانند از خشکی خط لوله یاباورند باید از بنگلادش بگذرد که با بنگلادش مشکلات سیاسی دارند

نداریم، اما می‌شود حدس هم زد که ممکن است تحت فشارهای سیاسی ایشان عوض شده و جناحی که علاقه‌مند نیستند این لوله گازی به هند کشیده شود پشت قضیه هستند. هند و پاکستان نیاز مرم به تأمین انرژی در آینده دارند و مقدار نیازشان هم خیلی زیاد است. این ۱۵۰ میلیون مترمکعب گاز به روز که ظرفیت هند و پاکستان است، معادل یک میلیون بشکه نفت خام در روز است. بعنی اگر این پروژه احداث نشود هند باید حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت وارد کند و ۴۰۰ هزار بشکه هم پاکستان. در این بازار با کمبود نفت و قیمت بالا این قضیه خیلی اثر بدی روی قیمت نفت خواهد گذاشت. قطعاً اثر بدی هم خواهد داشت و پاکستان می‌تواند از گاز جان‌گرفته‌اند. از نظر جابجایی هم تقریباً هیچ پروژه‌ای نیست که وضعیت مشابه پروژه ایران را داشته باشد چون هندی‌ها از طریق دیگر می‌توانند گاز وارد کنند؛ اول از میانمار می‌توانند گاز وارد کنند که اگر در دریا وارد کنند هزینه‌اش خیلی بالا است و مشکلات فنی دارد و اگر بخوانند از خشکی خط لوله یاباورند باید از بنگلادش بگذرد که با بنگلادش مشکلات سیاسی دارند

سپرده‌گذار می‌تواند از موکلتش (بانک) برای سپردن اموال و تأخیر خود در استفاده از پولش از بانک طلب کند. انتظاری که به طریق اولی با وضع فعلی متفی است. از منظر امتنعیتی هم مرور مجاری دو سال قبل قرض‌الحسنه‌های اصفهان کفایت می‌کند. اکنون بیش از ده هزار میلیارد تومان در بانک‌های خصوصی و ۹۰۰ هزار میلیارد تومان نیز در کل بانک‌ها سپرده‌گذاری شده است. با کاهش سود سپرده‌ها تقاضا برای باز پس‌گیری سپرده‌ها از شبکه بانکی فزونی می‌یابد.

با توجه به اینکه بانک‌ها مبلغ قابل توجهی از سپرده‌ها را به صورت وام اعطا کرده‌اند و درصدی از منابع خود را برای سپرده قانونی در نزد بانک مرکزی گذاشته‌اند؛ نقدینگی کافی برای مطالبه مشتریان خود (پس‌گرفتن سپرده‌ها) ندارند. در مجاری قرض‌الحسنه‌های اصفهان آن دو صندوق متخلف از پس‌دادن ۴۵۰ میلیارد تومان وام‌اندند و بحرانی امنیتی استان را فرا گرفت. بدیهی است در صورتی که این فشار تنها به بانک‌های خصوصی با ۱۰ هزار میلیارد تومان سپرده بیاید و خصوصی‌ها دچار بحران نقدینگی شوند چه آشننگی‌ای سراسر ایران را فرا خواهد گرفت. صف‌های طولیلی که پول می‌خواهند و بانک‌های ورشکسته‌ای که از پاسخ به مطالبه مردم عاجزند دور از تصور نیست.

آثار اقتصادی کاهش نرخ سود بانکی هم در این روزها به کرات گفته شده و اولین نمونه آن بازار سکه بود. رشد ۳۰ درصدی نقدینگی و پی‌اپی در سال‌های اخیر، رکود بازار سهام و خروج خرده‌سرمایه‌ها از آن و اینک خروج پول از بانک‌ها و امتناع از سپرده‌گذاری در شبکه رسمی پول، سیل ویرانگری از نقدینگی را ساخته است. سیلی که آماده است هر لحظه به بازاری رود و مانند اتفاق سکه و طلا بازار هدرش را متلاطمی کند. برخلاف انتظار طرفداران کاهش دستوری نرخ سود این نقدینگی به بخش‌های مولد اقتصادی وارد نخواهد شد. شرایط اقتصادی و سیاسی ما تحت تأثیر مسائل مختلف ریشه‌دار (سهم بالای دولت در اقتصاد) و معضلات جدید (مسئله هسته‌ای) دارای ثبات، برای سرمایه‌گذاری نیست. بنابراین بازارهای زودبازده و غیرمولد نظیر سکه برای بورس بازی انتخاب خواهند شد. اقتصاد ایران به بتلاقی شبیه می‌شود و هر که در آن فعال تر شود زودتر غرق خواهد شد. نهادهای مالی نظیر بورس و بانک‌ها هم دیگر قدرت جذب نقدینگی ندارند و پول هم با بودجه تراز زای خود به رشد نقدینگی کمک می‌کند. در غیاب بانک‌های مقتدر این بازار سیاه پول است که نبض بازار را به دست خواهد گرفت. طبیعی است بازار سیاه هم طرح‌های اقتصادی بلندمدت را در پسندند و به فعالیت‌های اقتصادی زودبازده نظیر واردات و تجارت کالا‌های مصرفی اقبال بیشتری نشان دهد. درآمد مناسب ارزی به اضافه تثبیت مصنوعی نرخ ارز هم به کمک مصرفی تر شدن اقتصاد نفتی ایران خواهد آمد.

نتیجه آن هم چیزی جز این نیست که تراز تجاری ما منفی و منتهی تر شود. سال ۸۴ ایرانی‌ها شش برابر فروش شان به خارجی‌ها (صادرات) به مدد فروش نفت از آنها خرید کردند (واردات). بی‌شک این فاصله تأسف‌بار که نشان از خوردن جیب است بیشتر می‌شود. اتفاقاً در شرایطی که واردات از هر طرف مهیات می‌شود این تولیدکنندگان داخلی آن‌که در توان رقابت با رقیبان خارجی را از دست می‌دهند. همان تولیدکنندگانی که طرفداران کاهش نرخ سود در پی ارسال دستوری منابع بانکی به سوی‌شان بودند؛ تولیدکنندگانی که دیگر ورشکسته می‌شوند و شاهد جذب و هضم پول توسط واسطه‌گران مالی بازار غیررسمی پول خواهند بود.

آن زمان است که برای طرفداران کاهش دستوری نرخ سود وام‌های بانکی، معلوم می‌شود به جای در نظر گرفتن هزینه‌های وام برای وام‌گیرندگان باید سود مارجینال و نهایی که عاید وام‌گیرندگان می‌شد را در تصمیم‌بانتان لحاظ می‌کردند. همان سودی که در حال حاضر و با همین نرخ‌های کاهش داده نشده صف‌های طولیی برای دریافت وام‌پدید آورده است. وقتی برای وام گرفتن صف وجود دارد یعنی برای گیرنده وام بازدهی اقتصادی منفطقی‌ای خواهد بود که او را به دروسمیت از دلارهای نفتی می‌کند. چه حیف که در دوره سرمشی از دلارهای نفتی پذیرش واقعیات اقتصادی محال می‌شود. و صد حیف که در دوره وفور نعمت ورشکسته می‌شویم.

و آنها اجازه نمی‌دهند. پروژه دیگر واردات از قطر است که قطری‌ها به‌به خاطر قراردادهایی که با آمریکا دارند الان نمی‌خواهند قرارداد جدیدی منعقد کنند. قطری‌ها اگر بخواهند با خط لوله گازشان را به هند برسانند باید از دریای عمان در سواش که خیلی پرهزینه است و از نظر فنی هم سخت است. و منبع سوم هم ترکمنستان است که حجه حجج برای زیاد نیست که بتواند برای مدت ۳۰ یا ۴۰ سال جوابگو باشد، لذا بهترین پروژه برایشان ایران است که علی‌الاصول نباید منافع خودشان را فدای مسائل سیاسی بکنند. ما خوشبختانه پاکستانی‌های یک توافقی کردیم که اگر تا خرداد سال ۱۳۸۵ هندی‌ها سر این پروژه به توافق نهایی نرسیم، پروژه بین ایران و پاکستان انجام‌شود. یعنی به هر حال یک آلترناتیو هم وجود دارد که اگر هند رابطه‌اش را با این پروژه قطع بکند این پروژه به‌کل لغو خواهد شد.

■ **وضعیت منابع انرژی ایران در دریای خزر چگونه است؟ با ادغام معاونت نفت خزر با معاونت بین‌الملل سیاست جدید یا جدی‌تری در دریای خزر قرار است دنبال شود؟**

ما با اروپا در دهه ۹۰ با گسست فرانسه مطلاع‌های را انجام دادیم برای انتقال گاز ایران به اروپا که دو مسیر مطرح شد؛ اول مسیر ترکیه و دوم مسیر اوکراین بود. اما موقع نیاز اروپا به گاز از ۱۰ سال بعد بود. بعد با اتحادیه اروپا به یک توافقی رسیدیم که یک دفتر انرژی در تهران تأسیس شود که کارشناسان بیایند و پیگیری خط لوله را انجام دهند که با اختلافات سیاسی ایران با اروپا برخورد کرد. ما یک مدت دفتر را گرفتیم و خالی دو سرانجام هم آن را پس دادیم. اما الان پروژه نوبوکو وجود دارد که اثریشی‌ها در آن سهم دارند، پروژه‌ای طراحی و تصویب شده برای انتقال گاز دریای خزر به اروپا. قبول هم کردند که گاز ایران را به دریای مدیترانه بفرستند و در دست بگیریم است. مجموعه این پروژه‌ها البته تحت تأثیر مسائل سیاسی است.

سال سوم ■ شماره ۷۴۲ شرق

نامه □

از بانک خصوصی به بانک مرکزی

متن زیر خلاصه‌ای از نامه مدیران عامل بانک‌های سامان، پارسیان، کارآفرین، اقتصادون، سرمایه و پاسارگاد در اواخر اسفند ۱۳۸۴ به ابراهیم شیبانی رئیس بانک مرکزی و نیز رئیس شورای پول و اعتبار است. «اتجانب استحضار دارند بیش از سه ماه قبل از تصمیم اخیر شورای محترم پول و اعتبار در تقلیل نرخ سود تسهیلات بانک‌های دولتی، بانک‌های غیردولتی فعال در آن زمان طی اقدامی کاملاً داوطلبانه و بر اساس شرایط پدید آمده ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت محترم، نرخ سود تسهیلات اعطایی خود را حدود ۲ درصد کاهش دادند و در جهت ایجاد تعادل لازم بین درآمدها و هزینه‌ها، متناسباً در نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری جدید خود نیز کاهش لازم را اعمال نمودند. اتجانب استحضار دارند به‌رغم تمام بررسی‌های به‌عمل آمده قبلی و رعایت تمامی جوانب احتیاطی موضوع، معیناً برای غیردولتی مجری طرح مذکور با مشکلات متعددی نیز مواجه گردیدند زیرا از یک سو اقدام به کاهش نرخ سود تسهیلات به طور طبیعی استفاده از این امکان را در محدوده دسترسی متقاضیان فراوان جدیدی قرار داد، که البته این امر در راستای تحقق اهداف دولت محترم بود، لیکن از سوی دیگر بخشی از جریان ورودی سپرده‌ها که می‌بایست پاسخگوی تأمین تسهیلات مورد تقاضا باشد، به دلیل کاهش نرخ سود علی‌الحساب و از آن عمده‌تر به دلیل تأثیر روانی موضوع و تزلزل در اعتماد سپرده‌گذاران به بانک‌های غیردولتی (که در مقایسه با بانک‌های دولتی و سابقه بیش از ۷۰ سال برخورداری از حمایت دولتی، هنوز در جلب اعتماد سپرده‌گذاران راهی طولانی در پیش روی دارند) محقق نگردید که البته این پدیده دوم منطبق با اهداف و سیاست‌های اقتصادی دولت محترم نبود و در نتیجه در این روزهای پایانی سال، به دلیل عدم تطابق جریان ورودی و خروجی وجوه، بانک‌های غیردولتی نیز فعلاً در پاسخگویی به تقاضای تسهیلات مورد متوقف گردیده‌اند. حسب اطلاع، در جریان مذاکرات جلسه اخیر شورای محترم پول و اعتبار، براساس عدم کفایت اطلاع‌رسانی، متأسفانه فضای غلطی در حق بانک‌های غیردولتی به عمل آمده و این باور مطرح گردیده که حاشیه سود بانک‌های غیردولتی براساس تفاوت نرخ سود تسهیلات به سود پرداختی به سپرده‌ها حدود ۱۱ درصد می‌باشد؛ در جهت تصحیح این تصور و به‌رغم تصدیق اوقات اتجانب، ناگزیر مراتب اجمالی زیر به استحضار می‌رسد:

۱- براساس آمارهای موجود و قابل کنترل نزد بانک مرکزی، جدول زیر وضعیت مانگین نرخ سود تسهیلات اعطایی و قیمت تمام‌شده (بدون احتساب هزینه‌های تجهیز منابع) مجموع انواع سپرده‌های بانک‌ها شامل قرض‌الحسنه و سایر سپرده‌های بدون هزینه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد.

بانک دولتی	بانک غیردولتی
نرخ مانگین سود تسهیلات	۱۶ درصد
نرخ مانگین سود سپرده‌ها	۸ درصد
تفاوت قیمت دولتی و پرداختی	۸ درصد سال
نرخ مانگین سود سپرده‌ها	۱۶ درصد
تفاوت قیمت دولتی و پرداختی	۸ درصد سال

۲- تصویر فوق صرفاً براساس رابطه نرخ‌ها می‌باشد و حال آنکه در بحث درآمد و هزینه و در نهایت حاشیه سودا (NIM)، علاوه بر «نرخ»، «مبلغ» نیز دخیل می‌باشد.
توضیح: درصدا در مجموع سپرده‌ها به عنوان سپرده قانونی نرخ سود ۱ درصد در سال و نگهداری حداقل ۴ درصد از مجموع سپرده‌ها به عنوان نقدینگی احتیاطی در صندوق شعب و خزانه بانک‌ها با درآمد صفر درصد و بالاخره احتساب هزینه‌ها ۲ درصد ذخیره محسومی مطالبات مشکوک‌الوصول نسبت به مانده تسهیلات که کاملاً رابطه مستقیم علت و معلولی با امر اعطای تسهیلات و کسب درآمد دارد، وضعیت مقایسه را با ماخذ ۱۰۰ واحد پولی انواع سپرده متناسب با ترکیب فعلی سپرده‌های بانک‌های دولتی (حدود ۵۰ درصد قرض‌الحسنه و سایر سپرده‌ها و ۵۰ درصد سپرده‌های سرمایه‌گذاری) و بانک‌های غیردولتی (حدود ۵ سپرده قرض‌الحسنه و سایر سپرده‌ها و ۹۵ درصد سپرده سرمایه‌گذاری) به نمایش می‌گذارد:

بانک دولتی	بانک غیردولتی
درآمد ۷۹ واحد پرداخت تسهیلات	۱۷/۶۴
درآمد ۱۷ واحد پرداخت قرضه قانونی	۰/۱۷
درآمد ۲ واحد برای نقدینگی احتیاطی	-
درآمد ۱۰۰ واحد برای تسهیلات	۱۷/۸۱

کسر می‌شود:

هزینه ۱۰۰ واحد سپرده‌ها	(-)/
هزینه ۲ درصد ذخیره عمومی	(-)/
حاشیه واقعی سود عملیات اعتباری	۲/۱۲ واحد پولی
هزینه ۱۰ واحد سپرده‌ها	(-)/
هزینه ۹۸ واحد برای تسهیلات	۱/۵۸
حاشیه واقعی سود عملیات اعتباری	۲/۱۲ واحد پولی

عنایت می‌فرمایند که بانک‌ها می‌بایست قادر باشند از محل حاشیه سود عملیات اعتباری به شرح فوق، علاوه بر تأمین هزینه‌های قابل توجه‌های نیروی انسانی، هزینه‌های اداری و تشکیلاتی و به‌ویژه هزینه‌های سنگین ارائه خدمات الکترونیک، مالیات و سپس سود قابل قبولی نیز به سهامداران خود پرداخت نمایند که اگرچه حسب تجارب موجود، در دوره‌هایی دولت‌های وقت به عنوان صاحب سهم بانک‌های دولتی، زیان بانک‌های مذکور را پذیرفته و با از سهم خود سود به نفع سپرده‌گذاران صرف نظر نموده‌اند، این انتظار از سهامداران بانک‌های غیردولتی که در مجموع و به صورت مستقیم و غیرمستقیم احتمالاً به بیش از سه میلیون نفر بالغ می‌گردد، نیز قطعاً پذیرفته نیست.

برخی تفاوت‌های بنیادین بین بانک‌های دولتی و بانک‌های غیردولتی نیز به شرح اجمالی زیراست:

– اهداف مندرج در قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی و انتظارات پیش‌بینی‌شده از تأسیس این بانک‌ها به شرح مواد ۹۲ و ۹۸ قانون برنامه سوم و ماده ۱۰ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

– نقش و حضور بانک‌های دولتی با سهم حدود ۹۰ درصد از کل تعالیت‌های بانکی کشور در مقایسه با سهم حدود ۱۰ درصد بانک‌های غیردولتی.

– ترکیب بسیار منطفت‌تر سپرده‌های بانک‌های دولتی به شرحی که قبلاً توضیح داده شد، در مقایسه با بانک‌های غیردولتی، در مورد تئوسانات درآمد و ظرفیت پذیرش آثار احتمالی عکس‌العمل سپرده‌گذاران.

– برخورداری بانک‌های دولتی از حمایت مطلق دولت به عنوان صاحب سهم و مدیر واقعی در قبال خطرات احتمالی «شوک‌های مختلف از جمله مخاطرات احتمالی فرا سپرده‌ها، در مقایسه با بانک‌های غیردولتی.

– دیدگاه‌ها و انتظارات بیش از سه میلیون نفر مردم معمولی که در سهام و سرنوشت بانک‌های غیردولتی به طور مستقیم (و از طریق تشکل‌هایی که باز هم سهام و مالکیت به نوعی متعلق به عامه مردم است) هم هستند و رفاه و آرامش آنها نیز به عنوان عامه مردم مورد توجه و علاقه دولت است، در مقایسه با ظرفیت‌ها و نگرش دولت به عنوان صاحب سهم و تأمین‌کننده سرمایه و بخشی از منابع سپرده‌ای در اختیار بانک‌های دولتی.